

مردم

حله قانونی و بون مبارزه

آغاز و گسترش وسیع و همه جانبه اقتصاد و کارمندان در سطح کشور، تنها دو هفته جمعه سیاه، مرحله قانونمند بونی از مبارزه کثرتوری و اصلاح آن بمساجح بالاتر مبارزه حق و ملی بشمار میروند، اکنون آن طبقه ای یا تمام عرصه مبارزه میگذارد، که توان آن برای تأمین دمکراسی بر استبداد و بیروزی جنبش ملی و یک پیش از طبقات دیگر است. این طبقه را که ایران امم از شافلان کار جسمی و فکری که همراه همه نیروهای ضد استبدادی در شهر، بن خود در روستا، دانشگاه، تهرانیست و بن زحمتکش، نه تنها میتواند مبارزه ضد بی را به بیروزی برساند، بلکه قادر است جنبش ملی و دمکراتیک را تحقق بخشد. مبارزه ضد دیکتاتوری در یکسال و نیم گذشته، نباشته شدن تضادها و تناقضات، مراحل تکاملی سرعت طی کرد. مبارزات قانونمند اقتصادی کارگران و کارمندان نیز، بهمان علت انباشته ضمیقات مادی و سیاسی، بر استعمار شوندگی ۲۵ سال گذشته، با سرعتی شگفت آور توسعه رخ خود را آغاز کرده است. طی تنها دو تیر مبارزات اقتصادی، که کارگران صنایع کارمندان محاربات آغاز نموده بودند، بکارگران نجات کلیه رشته های تولیدی - نساجی، صنایع فلزی، و مؤسسات حمل و نقل - هواپیمایی و کاسه رانی، کارکنان خدمات - بیمه، پست، رادیو - تلویزیون و چندین ترحولتی و خصوصی سرایت و همپان با سرعت رو به اوج میروند. موج عظیم اعتراضی در سطح کشور، اقتصاد و وسیع کارگران و کارمندان در لحظه از حیات متعدد امری قانونمند و ضروری بشمار رژیم استعناقی و پلیسی استبداد شاه در ربع گذشته عامل عمده تشدید استعمار و تحمیل شرایط و طاقت فرسای کار و زندگی بر توده زحمتکشان شد. تضادها و تناقضات با کارگانی سرشار یافته زندگی عملا بدون تغییر نگاه داشته شده ت کارگران و کارمندان را در سطح قدرتمندیت به محرومیت های کارگران و کارمندان از مزایای کار، بهداشت و بیمه به مقیاس عظیم افزوده شده، سکن میلیون ها کارگر، کارمند، پدیده بدبختی شده و آلونک نشینی که در گذشته به اطراف اختصاص داشت، اکنون بعنوان مظهر استعمار به زحمتکشان برساند شهرهای ایران را در بر است. قانونمندی اقتصادات کنونی کارگران و کارمندان در این است، که شرایط موجود دیگر قابل نیست و کار و زندگی زحمتکش باید به طور بهبود یابد.

سرکوب سازمانهای صنفی کارگران و کارمندان سال گذشته ابزار عمده استبداد سلطنتی در خفتان و مسکوت به جامه ایران بوده است. قرن گذشته رژیم پلیسی و استبدادی حاکم کارگران و کارمندان را از داشتن سازمانهای سندیکاها و اتحادیه های آزاد و واقعی محروم کرد، بلکه آگاهانه سیاست تحمیل سازمان های سندیکایی و اتحادیه ای به کارگران و کارمندان را در آورد. این امر به تسلط بدترین و فسادوار نوع اجتناب به کارگران انجامید، ضرورت و اقتصادات کنونی کارگران و کارمندان در که در جریان این اقتصادات به قطع افزایش دنباله در صفحه ۲

مصاحبه دبیر اول کمیته مرکزی حزب

۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ مخبر روزنامه فرانسوی اومانیته (از گان مرکزی حزب کمونیست فرانسه) ضمن ملاقاتی از رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را در باره تحولات اخیر اوضاع ایران مصاحبه نمود.

در پاسخ این سؤال رفیق اسکندری گفت: جنبش کنونی ایران را ترسه خصیصه داخلی، دمکراتیک و انقلابی، خلاصه کرد و نظر خود را چنین توجیه نمود: «دخلفی است زیرا اشارات معتدلی می خلق از فکر و نظر دیگر زحمتکش کرده تا بورژوازی ملی در این شرکت دارند و این شرکت نه تنها در تهران با نفعه ممینی از کشور است بلکه فرستاس ایران همه مردم را در بر گرفته است. این جنبش جنبه انقلابی و دمکراتیک دارد زیرا هدفهای آن از یکسو عبارت از سرنگون ساختن رژیم کنونی یعنی رژیم است که به سرمایه داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و در رأس آنها شاه و شاهان سلطنتی قرار دارد، و از سوی دیگر استقرار یک رژیم دمکراتیک را هدف خود قرار میدهد.»

در پاسخ آنکه در نتیجه چه اوضاع و احوالی یکباره خلق بحرکت درآمده است، رفیق اسکندری گفت: «این وضع برای حزب توده ایران غیر منتظره نبود. سه سال پیش کمیته مرکزی حزب ما ضمن سند سیاسی مصوب خود، یک دوران قریب الوتوح اوج نهضت خلق را بر پایه ملامت و قرائن بارزی که دلالت بر عمق نارضایتی طبقات و تشرهای مختلفه ی مردم مینمود، پیش بینی کرد. در واقع اعتراضات مکرر کارگری و اوج جنبش مطالباتی طبقه کارگر از یکسو، و نارضایتی شدید دهقانان که معلول سیاست تفریق کشاورزی و رخنه سرمایه داری بزرگ داخلی و خارجی در روستاهاست از سوی دیگر، چنان دهقانان را بی باک کرده است که دهها هزار تن از آنان هر سال بسوی شهرها در جستجوی کار میروند و بیرون هدیه بیکاران میافزایند. در حالی که رژیم قریب یک میلیون کارگر فاضلی استخدام نموده است بدینسان ایران، کشوری که در گذشته از لحاظ محصولات کشاورزی خود کفا بود، امروز بیروزی افتاده است که مجبور است نصفین مایحتاج غذایی خود و حتی میوه را از خارج وارد نماید.

از سوی دیگر رژیم ترور و اجتناب شکنجه ها و هجوم های مکرر به حقوق و آزادی های مردم، مداخلات دائمی مبلواک در تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی، حتی در امور مربوط به دانش و فرهنگ، تمام قشر های مختلفه ی خلق را بسته آورده و محیط را برای آن غیر قابل تنفس ساخته است.

نامه شادباش حزب کمونیست ترکیه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب کمونیست ترکیه مستحکم کله کمونیست ها و زحمتکشان ترکیه را با مبارزات شنه کارگر زحمتکشان و توده های وسیع مردم ایران علیه رژیم خونخوار شاه، با همه نیروهای مشرقی و اول از همه حزب بزرگ ما، حزب توده ایران اعلام مبارزه به آنان درود های انقلابی میفرستد. شعار و ترویج امپریالیسم و ارتجاع نمیتواند مبارزات روز افزون طبقه کارگر و مردم ایران را برهبری حزب توده ایران بخاطر استقلال ملی و دمکراسی سرکوب کند. بیروزی نیروهای دمکراتیک حقیقی است. رژیم استبدادی شاه سرنگون خواهد شد و حکومت جمهوری دمکراتیک استقرار خواهد یافت.

زند باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران! زند باد حزب توده ایران!

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه (۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸)

تودهایران با مخبر «اومانیه»

مخبر روزان انتشارات فرانکفورت که دستگاره ارتش و پلیس را تحت نظارت خود دارد، در این باره که وابستگی کشور ما را به امپریالیسم تشدید نموده خود و هن بزرگی برای مردم مین برست ایران ولسوزان و سران آن تلقی میگردید، علاوه بر این با امتیازات و حقوقهای گزافی که باین مستشاران پرداخته میشود آنها بصورت یکدیگر از ولایت گزافی زندگی و تورم سیاره شدیدی درآمده اند که اکنون بر بازار ایران حکمفرماست.

سیاست ضد ملی قریب تمام قوت مملکت سیاست در حالی باز که بازار داخلی را فرست در انحصار های امپریالیستی قرار داده است، با اضافه بعضی های جنسی اقتصادی که بسود قشر محدود بورژوازی بزرگ وابسته به انحصار های خارجی و خاندان سلطنتی انجام شده، میشود بورژوازی ملی و خرده بورژوازی را نیز بیدان مبارزه با رژیم استبدادی شاه کشته است.

به سؤال دیگر مخبر «اومانیه» در باره جرحه سازمان یافتگی جنبش کنونی و جنبه روحانی و مردمی آن، ایرج اسکندری اظهار داشت که: «کرچه بطور کلی نمیتوان یک سازمان معینی را مجابه رهبر نهضت نام برد ولی در مورد توده کله روحانیت شیهه در این جنبش تردیدی نیست. علت آن نیز واضح است. در واقع با وجود رژیم ترور و اجتناب که در ایران حکمفرماست، و هر اجتماعی ممنوع و شدید اسیر کوب میشود، تنها جایی که ممکن است آشکارا اجتماع نمود مساجد است و به همین سبب مساجد علاوه بر جنبه دینی، محل مشترک اجتماع و ملاقات میان تمام کسانی گردید که بر ضد رژیم شاه به مبارزه برخاستند. در این شرایط، فوژد کله روحانیت جای شگفتی نیست. مخبر اومانیه از برخورد حزب توده ایران در مورد این جنبه جنبش که موجب شده است در خروج صراحتا تحمیل منفی به آن داده شود پرسید. رفیق اسکندری متذکر شد که اولاً شمار های جنبش نشان میدهد که آنچه برای امرکت کله گان، در این مبارزه یعنی خلق ایران مطرح است، بیل به هدفهای سیاسی است و لاکر رهبری عمده نهضت با روحانیون مغربی است، نمیتوان از آن چنین استنباط نمود که با جنبش دینی سر و کار است و ثانیاً بجز اول نیست.

اعلامیه

فدراسیون سندیکایی جهانی ده هزار نفر از زحمتکشان شرکت ملی صنایع نفت ایران چند روز پیش در جریان مبارزات گسترده و دلیرانه آنکه مردم و زحمتکشان ایران میکنند، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بر اهمیت منظورترین بقوایمهای اقتصادی و فرهنگی این خال بزرگایان داری به اختصالی است که از طرف شاه و دستجات کار و اعمال میشود.

بیکار دیگر نیروهای رژیم قشار و اجتناب در جریان این اعتصاب داخلی خویش کردند. همه ای را اعتقالات و مبروح گرفتند و شماره زیادی را پلیس حکومت دیکتاتوری زندانی نمود.

فدراسیون سندیکایی جهانی بار دیگر علیه این جنایت پلیس شاه اعتراض میکند و زحمتکشان و مردم دلیران درود میفرستد و همبستگی خود را با آنها که در برابر قدرت دیکتاتوری شاه علیه قشر و اجتناب که بیاینها تحمیل شده می زند، اعلام میدارد.

فدراسیون سندیکایی جهانی از زحمت کشان دنیا و سازمانهای سندیکایی می طلبد که پشتیبانی خود را به نحو که مقتضی میداند نسبت به زحمتکشان ایران بویژه نسبت به کمیسیون ارتباط سندیکایی ایران ابراز دارند.

پراگ - ۶ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۲ مهر ۱۳۵۷

مبارزه مردم با پیگیری ادامه دارد

شاه و شاهیان امپریالیستی وی برای مقابله با اوج خروش جنبش ضد استبدادی مردم ایران دو حیله قضایی خود را که یکی کلوله و دیگری وعده است در مقیاس وسیعتری بکار انداخته اند. هدف آنست که عده ای را با وعده «اصلاح امور» و ذاروهای مسکن کاذب و وقتاً با رژیم استبداد «آشتی دهند»، سرسختان را با کلوله آتشین قلع و قمع نمایند و بدینوسیله ادامه دیکتاتوری ضد ملی شاه و سلطه غارتگرانه انحصارهای امپریالیستی را در ایران تاخیر کنند.

ولی حساس شاه شاهیان امپریالیستی وی غلط است زیرا آن اعمالی که میلیونها تن مردم معترض و بیان پلیس را رنجاند، لیزان را علیه کشتارهای دشمنانه رژیم هر بار با عزمی راسخ تر به خیابانها میدانها و مساجد میکشاند هم از کلوله آتشین و هم از آفتاب خون وعده اجتناب نپذیرند و این عمل عیان عبارته است از فقر کف شکن امروز افزون توده های عظیم مردم ناشی از اختلال بیسابقه صنعت، کشاورزی، بازرگانی، دارائی و بودجه، حمل و نقل، تولید انرژی، مسئله مسکن و غیره. و غیره. علت این اختلال نیز دو چیز است: اول - تحمیل وابستگی امپریالیسم توسط شاه بر کشور و دوم - شیوه حاکمیت دیکتاتوری محمد رضا شاه که حتی با نیازمندی های رشد عالی سرمایه داری منافات دارد.

دیکتاتوری محمد رضا شاه وسیله تحمیل وابستگی امپریالیسم بر ایران است. دقیق تر بگوئیم امپریالیسم برای آن حکومت ملی و قانونی دکتر محمد مصدق را سرنگون کرد و محمد رضا شاه قزاقی را بایران بازگرداند از تیرتخت پادشاهی نشاند و در ایجاد و ادامه دستگاره دیکتاتوری خونخوار بوی کمک کرده و میکند که محمد رضا شاه ایران را مرحله بیشتر به اختیار امپریالیسم قرار دهد و وابسته امپریالیسم سازد. اختلال عظیم زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور از اینجا ناشی گردیده و مبارزه شگرتی که شرق و غرب و شمال و جنوب ایران را فرا گرفته عکس العمل طبیعی و اجتناب ناپذیر مردم ایران علیه این وضع طاقت فرساست.

دنباله در صفحه ۲

علل «علاقه» امپریالیسم فرانسه به رژیم شاه

روزیامه فرانسوی «اکو» در گان انحصارهای امپریالیستی روز سه شنبه ۱۹ سپتامبر کارکنان دیکتاتوری، منشور سلطنت که مؤان سن نیشل (فرشته ترقی) بازدها را خرمن میکند. منظور «اکو» از فرشته ترقی، شاه جنایت پیشه ایران بود.

روزیامه کمونیستی فرانسه «اومانیه» در شماره مورخ ۲۱ سپتامبر خود به ایرت «ایستار» روزنامه «اکو» پاسخ داده و میگوید به نظر «اکو» ازدها عبارت از خلق باصلاح عقب مانده است که گویا بگفته پای بند است. «اومانیه» و بدینوسیله خاطر نشان میسازد که روزنامه ار گان مجله «الی فرانسه» در انتخاب میان خلق و ستمگر خلق هیچوقت بخود نپردرد و او همیشه ستمگر خلق را بر خلق ترجیح میدهد.

این یک حقیقت است ولی باز میتوان پرسید چرا «اکو» و ستمگ شاه جلاد را بر سرینه میزند؟ پاسخ به این سؤال را میتوان در مجله فکاهی فرانسوی «کابلی آتشی» پیدا کرد. در شماره ۱۲۳ اوت این مجله نوشت که جوایز ایران کاخ ایوه را بدینا تیر گریان کرده است. در کاخ ایوه منیش از لایبانداری رژیم شاه را از استواری قراردادهای متعدد مالی و صنعتی دنباله در صفحه ۲

دستوردها و بهود شرایط کار و مسکن و کسب دیگر مزایای موزون توجه قرار دارد. بلکه خواستههای سیاسی هم از قبیل طرد سازمانهای صحنی پلیسی و ساواک زده و احیای سازمانهای اصلی و آزاد سیدیکائی و اتحادیههای در مرکز است. بکار گران و کارمندان بدستوری توجه دارد؛ که در لحظه کنونی همزمان با کسب بیرونی در تحقق خواستههای سیاسی و رفاهی باید به بیرونی احیای فعالیت آزاد سیدیکائی و اتحادیه ای بتواند وظیفه ای تأخیر ناپذیر را دنبال آید. این امر میتواند و باید در جریان اعتراضات کنونی از خود به فعل درآید.

در این زمینه باید گفت که از آنجا که ایجاد سازمانهای اصلی و آزاد سیدیکائی و اتحادیههای کارگران و کارمندان سازمان نسبت به بیرونی بدست آمده است، اعتراضات کنونی است. این امر همچنین وظیفه کارگری از بارگشت به گذشته سیاه و رنج قرن بیستم را برمیگرداند. این است که نه فقط کارگران را از این بار به حقوق قانونی خود محروم نگاه داشته بود؛ بلکه بر یک نامی آن را در حمایت از رژیم حاکم میکوشید. از این جهت آنکه احیای و ایجاد سازمانهای اصلی و آزاد سیدیکائی و اتحادیههای کارگران و کارمندان در لحظه کنونی، ضمن معین ادامه و اعتدال مبارزات مردم ایران علیه دیکتاتوری برای تأمین آزادی و دموکراسی و نیل به هدفهای جنبش دموکراتیک و ملی است.

با اعتراضات عظیم کنونی و طبقه کارگر ایران و کلاس زحمتکش با تمام نیرو و با روشهای موقفیت آمیز مبارزات صحنی و طبقه ای به نفع مردم میگذارد. با اعلام این مرحله قانونمند از سیر عمومی مبارزه مردم ایران با نظام استبداد و دیکتاتوری و نیل به هدفهای جنبش دموکراتیک و ملی است.

این قاطبه تعلقات زحمتکش و افتخار ملی و قهرمی جامعه اعم از کارگر و کارمند و بازاری و پیشه‌ور دانشگاهی و فرهنگی و روحانی و روشنفکر شهری و روستایی شرکت دارند و میروند تا اتحادیه محکم و استوار برای نیل به طرد استبداد و کسب آزادی و استقلال بوجود آورد. هیچ نیروی قدری نیست از جنس این مبارزه تاریخی جلوگیری نماید. رژیم استبدادی با توسل به حکومت نظامی و راه انداختن جمعه های سیاه و تلاش دانه از سیر اعتدالی جنبش و نیل آن به هدفهای آزادی و استقلال طلبانه جلوگیری نماید. لیکن مردم ایران با تشدید مبارزه این تلاش‌ها را عقیم می سازند.

پیروز با دعوتات قانونمند کارگران و کارمندان راه گشای مرحله نوین مبارزات مردم ایران با نظام طرد استبداد و دیکتاتوری و نیل به هدفهای جنبش دموکراتیک و ملی است.

مبارزه مردم با دیکتاتوری ادامه دارد

با وجود روشن بودن این حقایق و در حالی که استبداد محمد رضا شاهنشاهی بدستکاری امپریالیسم با استقرار حکومت نظامی فعلا سرزمین کشور را زیرین استغاله نظامی قرار داده و در شرایطی که هر روز در چندین شهر کشور بدست دژخیمان شاه خوین مردم حق طلب ایران ریخته میشود، عده ای از عمال دیکتاتوری و سر سیردگان امپریالیسم آمریکا و انگلیس از قبیل جعفر شریف امامی و اویسی و مقدم و قره باغی و دیگران مدعی هستند که نظام شاهنشاهی فضای سیاسی را «باز خواهد کرد» و ملک الموت ما را خواهد شست.

رویدادهای کشور نشان میدهد که مردم مبارز ایران موج عظیم ترور خوین شاه را از سر کلانداخته. بر قانونهای عوامفریابانه رژیم پشت پازده و بر مواضع پیکار اخلاقی خود استوار و با بیادبانه استبداد مبارزات مردم هزار مناطق و شهرهای تازه قری را در هر میگزرد و قشرهای وسیعتری از همه طبقات اجتماعی نمائندگان همه خلقهای ایران، بیوزان همه طبقات و ادیان را با یکرنگی در می آورد. یک فهرست ناقص از اسامی منطقی که پس از «جمعه خوین» با رژیم خونخوار استبدادی دست یکرینان بوده اند این واقیعت را با ثبات میرساند: تهران، قم، مشهد، تبریز، کرمانشاه

که در کشور ما روحانیت شیعه علمدار جنبش ضد استبدادی و خلق استبدادی شده است. روحانیت شیعه در کشور ما دارای سنت انقلابی سابقه داری است زیرا بخود بطور عمده ناشی از طبقات محروم و حتی قشرهای زحمتکش است و لذا در مجموع خود با خلق و خواستههای ضد امپریالیستی و دموکراتیک آن پیوند نزدیک دارد.

اما چون در دوره برخورد حزب استبدادیه مذهب میروید با این نکته را خاطر نشان سازم که جنبش دوره ایران همواره به مذهب و بورژوازمذهب شیعه احترام گذاشته است و زیرا حزب ما حزب توده ملی خلق است و خصیت عمیقاً دموکراتیک دارد. نظر باینکه مذهب شیعه معتقد اکثریت توده های مردم ایران است. حزب توده ایران که خود را از آن خلق میدانند نمیتواند به معضلات اکثریت مردم بی اعتنا باشد. علاوه بر این در تعلیم اسلام اصولی وجود دارد که نه تنها مبانی سیاسی حزب ما را نمیکنند بلکه مؤید آنست. همین نقاط مشترک میان حزب ما و تعلیم اسلامی کم نیست. بنابراین اصل اسلامی و لزوم و لزوم او را در نظر گرفتن اصل که طبق آن حاصل از آن کشور است. اگر چه در زمین فقهی بحث کرده باشد با اصول حزب ما که مخصوصاً و از آن کارگر و مردم زحمتکش میماند که آنرا بوجود میآورده است. انطباق پیدا میکند. اسلام اصل برای مردم و نتایج را اعلام داشته است و این با تئوری سیاسی حزب ما منطبق است. علی بن ابیطالب امام اول شیطان و امام پیغمبر اسلام میگوید: کن للظام خصماً و للظالم عوناً. یعنی دشمن مستضعفان و یار مظلومان باش و تقابل مشخص دموکراتیک نیز برای توده حکومت کردن دارد که با انطباق دادن به شرایط زمان میتوان آنها را مورد استفاده خلق قرار داد. امام اول شیعیان پشت هر چه تمام جمع غیر مشروع مالی را که منعی بر کار و کوشش شخصی باشد محکوم کرده و عدم تسوی فرقت را مورد انتقاد جنی قرار داده است. فریادی از خطاهای خود باز خواهد میگردد. ملتی که شاه پرستند، خدای را بیخود شایسته. همچنان که ایرانیان که شاهان خود را پرستش میکردند دچار شرک و العبد بوده اند. درست است که امروز ما این مسائل را بخوشحکمی مطرح میکنیم ولی از لحاظ ماهوی با پیشینیان از خواست های حزب ما منطبق پیدا میکنند.

در پایان این گفتگو دبیر اول حزب توده ایران با اشاره به اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ اظهار نمود: حزب ما از همه نیروهای اپوزیسیون دعوت کرده است که برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری متحد شوند. حزب ما معتقد است که میان نظریات نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم دیکتاتوری مشترک معدودی وجود دارد که امکان میدهد با یکدیگر جبهه واحدی گردانند. رژیم شاه را نیز چون نموده بکویت وقت ائتلاف ملی بر کار آوردند که آزادیهای دموکراتیک را برقرار سازد. حاکمیت ملی را تأمین بکند. در راه رفاه و آسایش خلق اعلام نماید. حزب توده ایران پیشنهادهایی خود را برای تنظیم یک برنامه مشترک ایجاد نیروها ضمن اعلامیه ۱۳ شهریور تقدیم داشته است. حزب ما آمیخته است با همه نیروهای اپوزیسیون برای مطالعه این پیشنهادها و پیشنهاد های دیگران و یافتن زبان مشترک وارد گفتگو شود.

همدان، زنجان، رضائیه، بانه، بوکان، دزفول، خرم آباد، آمل، بازل، سنندج، در این مبارزات تاریخی کارگران، کسبه و اصناف، دانشجویان و روشنفکران، روحانیون میهن پرست، کارمندان و مستخدمین قشرهای دهقانی که در نتیجه سیاست رژیم هست و نیست خود را از دست داده و به ناشایسته نشین شهر ما بدل گشته اند، سرمایه داران ملی یعنی عظیم ترین اکثریت مردم ایران شرکت بدارند. جنبش اعتدالی شکرترین ابعاد و در تاریخ ایران بخود گرفته است. خلاصه اینکه مردم کار و باسخون رسیده ایران با پیگیری و قهرمانی در خواریستایی مبارزه خود را ادامه میدهند. ولی آن شرط

نیام کفرانس دهلی نو به جنبش پرستان ایرانیان سران و نمایندگان جنبش های آزادی بخش ملی از مبارزات مردم ایران پشتیبانی میکنند

از تاریخ ۲۸ سپتامبر تا ۲ اکتبر ۱۹۷۸ در دهلی نو کفرانس که در آن علاوه بر سران جنبشهای آزادیبخش افریقای جنوبی، نمایندگان بیش از ۷۰ کشور شرکت داشتند تشکیل شد و مبارزات مردم افریقای جنوبی را بر ضد تازا پرستی، تبعیض نژادی و در راه آزادی ملی مورد بررسی قرار داد. در این کفرانس نمایندگان جنبشهای آزادیبخش افریقای جنوبی، نلسون ماندهلا و سایر کشورهای مبارزات خائنه خود سخن گفتند و توجه جهانیان را بوضع خود جلب کردند. در این کفرانس نمایندگان ایران هم شرکت داشت و ضمن تظلمی در جلسه عمومی کفرانس اوضاع ایران و مبارزات قهرمانانه مردم آنرا تشریح و از حاضران تر جلسه تقاضا کرد که مبارزات مردم ایران را بیش از پیش مورد تأیید قرار دهند. در جریان کفرانس، طی برخوردهای متعدد، نمایندگان ایران به پرشاهی فرزان سران و نمایندگان جنبشهای آزادیبخش افریقا و سایر قارهها پاسخ داد و در رفع سوء تفاهماتی که در این زمینه بر اثر تبلیغات مطبوعات بورژوازی وجود آمده است کوشید. در برخورد های دیگر، اوضاع ایران برای خام اندیزها گندی نهست و زیر پیشین هندوستان و شران احزاب آن کشور تشریح شد.

کفرانس در پایان بیانی بشرح زیر خطاب به میهن پرستان ایران صادر کرد:

کفرانس بین المللی برای آزادی افریقای جنوبی و بریند ایران تأیید، تامل و همبستگی عمیق خود را با مبارزه میهن پرستان ایران ابراز میدارد و برای آنها کامیابی آرزو میکند. این کفرانس اتمال تبه کرانه و فواجح محافل ارتجاعی را بر ضد مردم صلح دوست ایران شدیداً محکوم میکند. اعلام حکومت نظامی در آفریقا و از جمله پایتخت ایران، عمل خشونت آمیز است که مایه های رژیم کنونی را ناشی میکند. حکومت نظامی باید بیرون رانده یابد.

کفرانس خواستار آزادی قوی تمام زندانیان سیاسی است. به حقوق دموکراتیک مردم ایران بداسال که در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است، و اعتدال ساواک نمیشد.

کفرانس نیابت تسلیحاتی تب آورد رژیم ضد خلقی ایران را شدیداً محکوم میکند. این سیاست مغایر منافع ایرانست و صلح و ثبات را در سرزمین منطقه مورد مخاطره قرار میدهد.

حضور بیش از ۲ هزار رایزن نظامی و امنیاتی ماهیت ارتش ایران را تغییر داده است. کفرانس تقاضا دارد که این باصلاح رایزانان که بسیاری از آنها از کهنه کاران تهاجم امپریالیستی بر ضد میهن هستند فرا خوانده شوند.

عده وحل کنندهای که پیروزی مردم بردشمان خود می چون و چرا بدان بستگی دارد یعنی اتحاد و وحدت عمل احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت هایی که در رهبری مبارزه ضد استبدادی مردم ایران قرار دارند - هنوز تأمین نشده است. در چنین اوضاعی ما همه نیروهای ضد دیکتاتوری را مورد خطاب قرار داده میگوئیم: دژستان چرا ما باید از پرنده ترین سلاحها که اتحاد و همگامی ما است محروم بمانیم؟! مگر هدف همه ما برچیدن بساط دیکتاتوری و گشودن راه برای رفاهی و سعادت مردم ایران نیست؟

میست اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اطلاعیه اخیر خود خاطر نشان میسازد که «مانند سابق وحدت عمل کلیه نیرو های ضد رژیم در جبهه ضد دیکتاتوری عامل مؤثر پیشرفت و شرط کامیابی نهضت است. ما بتوجه خود روش خویشرا بر پایه اتحاد با همه نیروها استوار کرده ایم و در آینده نیز در جهت این اتحاد و علی تفرقه افکنی از جانب

فردای دیگر

بهلوان خلق خوین است و خشمگین و تلخ شاه را لبخند شوم چیرگی، نقش لب است گویند این ابلیس شب، بهوده میزانی بخوش هر سوازی بانگ خروسان است و پایان شب است

جمعه خوین، صدائی بود ایرانگیر، لبیک از نهاد خلق بانگی پرتوانتر میرسد کشته طوفانرا کتون درین محبوب و خوش تا که موجی بشکند، موجی کلاتر میرسد

رت آن دنیا که شه را بر سر مستند نشاند شد پدید از معجز بیکار، دنیای دیگر بهر آرزوی که میهن واهی جاویش بود بود فردائی و خواهد بود فردای دیگر

نی عطای پادشاه و بی عطای آسمان ره سوی مقصد توان بگشود تها در نیزد مشکل را بسیار، پیروز است خلقی کو بود بزرگ و سوسخت و آخر بین و دانا در نبرد آن درختی، کش سرشت از ظلم باشد، بشکا هرچه هم در پیش طوفان خم شود، خمر شود میخ بر دیوار با هر کوبه یا بر جرات است روح نیرومند با هر نبرده محکمتر شود

علل فداکاری امپریالیسم فرانسه

منتهه بین فرانسه و ایران ایراز نگرانی میزد ایران یکی از فروشندگان بزرگ نفت به فرانسه که در سال گذشته میزان آن به ۱۰ میلیون تن از سوی دیگر مؤسسات مختلف فرانسیسی هم از شعبات عدیده ای در تهران تأیید گردید. دنیویر هسته های برآه فرانسه در ایران میسازد نیز نیاید فرا کرد. چنانکه می بینید مسائل اجناسی بی میشود. آیا اینطور نیست؟

معل اینکه زسکار سنگ حق دارد نگران مگر نه اینست که احتضارهای فرانسوی با کمک شاه در غارت میهن ما شرک و سهم بوده و هست تازه مسئله بدیدجا خاتمه نمی یابد. جمله آینه و جبه دیگر علاوه زسکار صحن به شافرا میسازد و می نویسد: «برای اینکه بدستی غلبان احساسات را در کاخ الیزه درک کنیم، بدانیم که یکی از عقاید عمده فرادادهاید. فلیپ و سیکار و صحن پیر عموی رئیس جمهور و از مدیران گروه تومسون است. فلیپ مذکور بود ایران استودیوهای تلویزیون رنگی و مراکز آموزش است و مبلغ آن هم کوچک است یعنی چندین صد میلیون فرانک سنگین بالغ میگردد. سپس جمله به شخصیت های دیگر میپردازد و میگوید: «انفال پوتینوفسکی (سابق) پیروز با نهضت وزیر ایران ملاقات کنند. تین حال ادکار فورکه تضاداً در آن مشغول سیاحت است خواستار ملاقات با شاه میباشد. گرچه این ملاقات برای خاموش کردن تظاهرات نیست ولی بهر حال لااقل امکان آنرا میدهد. اطلاعات بیشتری از وضع ایران بدست آورده و کار آشنه میتوسیدان آلبانی میتوید از اشراف پهلوی اطلاعات روشنی در باره حوادث بدست آورند. زیرا اشراف که اکنون در فرانسه از امریهای قدر کابینه ای خوب فرانسه کفر تفسیر ندارد. نظر ما این نوشتهها نیازی به تفسیر ندارد.

رژیم و عمالشن مبارزه خواهیم کرد. ماخو همکاری با همه نیروهای مخالف رژیم است. بر پایه برنامه مشترک هستیم.

ع. گ. آزاد